



ویژه نامه
عبرت های کودتای ۲۸ مرداد



عبرت های کودتای ۲۸ مرداد برای امروز

برای شرکت در شورای امنیت به آمریکا رفت و درخواست وام از آمریکایی ها کرد، آنها در ابتدا روی خوشی به مصدق نشان دادند و از اعطای وام به ایران سخن گفتند ولی به دلیل وحدت استراتژیک آمریکایی با اروپایی ها و مخالفت آنها با هدف اصلی نهضت ملی شدن صنعت نفت (کوتاه کردن دست انگلستان از منابع ایران)، آنها برای پرداخت وام به ایران هیچ اقدام عملی انجام ندادند!

انگلیسی ها هم در مواجهه با نهضت ملی شدن صنعت نفت در ایران، خرید نفت ایران را تحریم کردند و حتی در خلیج فارس علیه ایران آرایش نظامی گرفتند.

وعددهای که غربی ها دادند و عمل نکردند

در آن زمان، فشار تحریم ها و کمبود نقدینگی موجب شد تا دولت مصدق برای مقابله با کسری بودجه و ساماندهی شرایط اقتصادی کشور، طی یک اقدام مخفیانه دست به چاپ اسکناس بدون پشتوانه لازم بزند!

مصدق بیش از آنکه نگاه خود را به توان داخلی معطوف کند، با خوش بینی به آمریکا، تصور می کرد که می تواند از بحران عبور کند. به همین علت، در سفری که چند ماه پس از ملی شدن نفت برای شرکت در شورای امنیت داشت، پس از اتمام جلسات، به پیشنهاد ترومن به واشنگتن رفت و مذاکرات ۱۰ روزه ای انجام داد.

طراح اصلی این مذاکرات فردی به نام جرج مک گی بود. قرار بر آن بود که مصدق وام ۱۲۰ میلیون دلاری از آمریکا دریافت کند تا بتواند از تحریم های انگلستان عبور کند.

آمریکایی ها دائماً با وعده و لبخند، چهره ای مناسب از خود نشان می دادند. نهایتاً اما پس از ۲۵ روز مذاکره، با دخالت انگلستان و هشدار به آمریکایی ها، پس از مدت ها لبخند زدن، وام به مصدق داده نشد.

حتی دکتر مصدق تقاضا می کند که از محل اصل ۴ ترومن، حدود ۲۳ میلیون دلار به ایران کمک کنند، اما آمریکایی ها با همین هم در نهایت مخالفت کردند.

نهضت ملی شدن صنعت نفت که از سال های ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ شروع شد و در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ به ثمر رسید هرچند در مقطعی توانست روند غارت و تاراج منابع نفت ایران از سوی کشورهای غربی را متوقف کند، اما در نهایت به دلیل خوش بینی بیش از حد دولت وقت به غربی ها، حفظ این دستاوردهای موقتی ممکن نشد و در نهایت با خیانت ها و فریبکاری دشمنان ملت ایران به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و نفوذ هرچه بیشتر استعمار خارجی و تقویت استبداد داخلی منتهی شد.

دوستی مصدق با رئیس جمهور وقت آمریکا

برای آنکه عمق خوش بینی مصدق به آمریکایی ها ملموس تر شود می توان به این مورد اشاره کرد که وی در موارد متعددی در خاطراتش از دیدارهای متعدد با ترومن، رئیس جمهور وقت آمریکا و مکاتبات دوستانه و عکس های دو نفره ای که با هم در آمریکا گرفته بودند، تعریف می کند و آنها را به رشته تحریر درمی آورد.

وی همچنین در بخش دیگری از خاطراتش می گوید ۲۵ روز با جرج مک گی، معاون وقت وزارت خارجه آمریکا در تماس بوده و گاهی اوقات مک گی روزانه ۲ بار به ملاقات وی می آمده است و او را «برادر صمیمی» خود خطاب می کرده است، هر چند فرجام این خوش بینی ها این شد که هندرسون، سفیر آمریکا در تهران به منزل مصدق برود و به وی بگوید که اگر می خواهد دوستی وی با آمریکا ادامه یابد، باید فوراً از پست نخست وزیر استعفا کند.

وحدت استراتژیک آمریکا و انگلستان علیه ایران

گرچه آمریکا در آن زمان همانند انگلیس نزد مردم ایران، چهره ای منفور و استعمارگر نبود اما با اروپایی ها علیه ایران، وحدت استراتژیک داشت؛ اتحادی که دکتر مصدق از آن غافل بود!

درخصوص غفلت مصدق از پیوند استراتژیک لندن و واشنگتن می توان به این مورد اشاره کرد؛ زمانی که مصدق



با وجود همه این موارد، دکتر مصدق همچنان به اعتماد خود ادامه می‌دهد.

جلسه ۲۷ مرداد مصدق و سفیر آمریکا
لوی هندرسون (سفیر وقت آمریکا در ایران) در تاریخ ۲۵ دی ۱۳۳۱ یعنی یک سال و چند ماه بعد از نهضت ملی شدن صنعت نفت، پیشنهاد تازه‌ای را که انگلستان برای حل مسئله نفت ایران با آن موافقت کرده بود، به مصدق تسلیم کرد و این دو در این زمینه ۷ ساعت با یکدیگر گفت‌وگو کردند.

سید مصطفی تقوی، پژوهشگر تاریخ می‌گوید: یکی از اسنادی که در رابطه با ملی شدن صنعت نفت وجود دارد، نامه‌ای است که دکتر مصدق در زمستان ۱۳۳۱ (یعنی چند ماه قبل از کودتای ۲۸ مرداد) به آیزنهاور می‌نویسد و از دولت آمریکا برای سر و سامان دادن به اوضاع داخلی ایران درخواست کمک و مساعدت می‌کند.

۳۵ روز بعد (۱ اسفند ۱۳۳۱)، هندرسون پیشنهاد تازه انگلستان را که آمریکا نیز آن را تأیید کرده بود، به دکتر مصدق تسلیم کرد.

اما آیزنهاور آشکارا به دولت ایران می‌گوید تا زمانی که خودتان نتوانید مشکلاتتان را با انگلیس حل کنید و سازوکاری برای فروش نفت و پرداخت غرامت به انگلیس پیدا کنید، ما هم به شما کمکی نمی‌کنیم.

در این پیشنهاد، هر چند ملی شدن صنعت نفت ایران و مالکیت دولت ایران بر آن به رسمی شناخته شده بود اما قیمت‌گذاری و فروش در دست ایران نبود و به علاوه بر امور فنی آن باید کارشناسان خارجی نظارت داشته باشند که مصدق آن را هم مغایر قانون ملی شدن صنعت نفت و حاکمیت ملی خواند.

یعنی عملاً آمریکایی‌ها آب پاکی را روی دست مصدق ریختند و چند ماه پس از آن هم همراه با دولت انگلیس علیه وی دست به کودتا زده و دولتش را سرنگون کردند.

این مذاکرات و دیدارهای بین مصدق و هندرسون تا ۲۷ مرداد سال ۱۳۳۲، یعنی زمان کودتا ادامه داشت.

ماحصل خوش بینی مصدق به غرب

از سوی دیگر ماحصل خوش بینی مصدق به آمریکایی‌ها این شده بود که بر اساس آنچه در کتب تاریخی آمده، صدور نفت از ۲۴۱ میلیون بشکه در سال ۱۳۳۰ به ۱۰ میلیون بشکه در سال ۱۳۳۱ رسید.

اسناد تازه منتشرشده از سوی وزارت خارجه آمریکا درباره کودتای ۲۸ مرداد، روایت جالبی از ملاقات مصدق و سفیر آمریکا در ۲۷ مرداد (یک روز قبل از کودتا) را مطرح می‌کند.

کاهش در نهایت منجر به تقاضای پول از آمریکایی‌ها، کاهش درآمدهای ایران، چاپ اسکناس، کاهش ۵۰ درصدی واردات و تشدید اعتصاب‌ها و اعتراضات داخلی در کشور شد.

در این سند جدید که «مرور بحران اخیر» نام دارد، گفته می‌شود دیدار مصدق و هندرسون تنش‌زا بوده و به طور ناگهانی به پایان رسیده است.

در این سند آمده «بنا بر یک گزارش موثق، (هندرسون) به مصدق هشدار داد که ادامه اصرارش به باقی ماندن در سمت نخست‌وزیری به نفع ایران نیست.»

بر اساس آنچه جان فوران، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران و استاد جامعه‌شناسی در کتاب معروفش در مورد ۲۸ مرداد ۳۲ آورده است، اعتصاب‌ها از ۴ الی ۵ مورد در سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۹ به ۴۲ مورد در ۱۳۳۰ و ۵۵ مورد در ۱۳۳۱ افزایش یافته است. ۷۱ مورد اعتصاب نیز در ۸ ماه اول ۱۳۳۲ اتفاق افتاده بود.

بنا بر سند، مصدق از حرف هندرسون به شدت عصبانی شد و پاسخ داد که او حق دخالت در امور داخلی ایران



برای اینکه بتواند با انگلیسی‌ها مبارزه کند... رفت سراغ آمریکایی‌ها؛ با آنها ملاقات کرد، مذاکره کرد و درخواست کرد؛ [به آنها] اعتماد کرد.

کودتای بیست و هشتم مرداد نه به وسیله انگلیس بلکه به وسیله آمریکا در ایران انجام گرفت، علیه مصدق.

یعنی حتی به امثال مصدق هم اینها راضی نیستند؛ این‌ها نوکر می‌خواهند، سرسپرده می‌خواهند، توسری خور می‌خواهند؛ مثل چه کسی؟ مثل محمدرضای پهلوی.»

را ندارد. بعدها معلوم شد سفیر آمریکا مصدق را تهدید کرده که اگر نظم و آرامش را به خیابان‌ها برنگرداند و حملات تظاهرات‌کنندگان ملی یا چپ‌گرا به شهروندان و مراکز آمریکایی در ایران متوقف نشود، کمک‌های مالی و فنی واشنگتن به ایران به خطر خواهد افتاد و کاخ سفید احتمالاً از به رسمیت شناختن مصدق به عنوان نخست‌وزیر خودداری خواهد کرد!

از خوش بینی مصدق، آمریکایی‌ها استفاده کردند

رهبر معظم انقلاب در یکی از سخنرانی‌های خود، درباره بحث ملی شدن صنعت نفت می‌فرمایند که اشتباه مصدق آن بود که برای این‌که بخواهد از زیر فشار انگلیسی‌ها رهایی پیدا کند به سمت آمریکایی‌ها گرایش پیدا کرد؛ اما نتیجه این شد که در نهایت نه تنها آمریکایی‌ها به او پشت پا زدند، بلکه حتی با انگلیسی‌ها برای سرنگونی مصدق همراه شدند.

معظم‌له در تحلیل و تعلیل ۲۸ مرداد ۳۲ می‌فرمایند: «حادثه از این قرار بود که دولت مصدق که نفت را، منبع ثروت ملی کشور از چنگ انگلیسی و از دست انگلیسی‌ها با کمک افرادی که بودند - مرحوم آیت‌الله کاشانی و دیگران - توانست خارج کند، یک اشتباه تاریخی انجام داد و آن تکیه به آمریکا بود.

در مقابل دشمنی انگلیسی‌ها، فکر کرد باید یک پشتیبانی در عرصه بین‌المللی داشته باشد، این پشتیبان آن روز از نظر او آمریکا بود؛ به آمریکایی‌ها اعتماد کرد؛ امید او به آمریکایی‌ها بود. از این خوشبینی و ساده‌اندیشی، آمریکایی‌ها استفاده کردند، [کودتای] بیست و هشتم مرداد را به راه انداختند.»

آمریکایی‌ها حتی مصدق را هم تحمل نکردند!

رهبر انقلاب در جای دیگری می‌فرمایند: «بعضی‌ها هستند که می‌گویند یک ذره، با آمریکا کنار بیاییم، شاید دشمنی‌شان کم بشود؛ نه، حتی به آنهایی هم که به آمریکا اعتماد کردند... به سراغ آمریکا رفتند برای کمک گرفتن، رحم نکردند؛ [مثل] چه کسی؟ دکتر مصدق. دکتر مصدق



فرجام اعتماد به آمریکا

مصدق برای مقابله با انگلیس به آمریکا تکیه کرد و همین خوش بینی و ساده اندیشی و غفلت، زمینه سازماندهی کودتایی آمریکایی شد، کودتایی که همه زحمات ملت را در ملی کردن نفت به هدر داد.

۸۹/۶/۸